پژوهش‌های میان رشته‌ای در پرتو زبان عربی و جریان‌های ادبی
سومین همایش علمی بین‌المللی پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی و چالش‌های معرفتی
The Third International Scintific Conference for Human and Social Studies and Great Epistemological Challenges
دانشگاه فردوسی مشهد ۱۴۰۳

مقایسه ساختارشکنی در دو شعر "شقّ القمر که معجزه ای نیست" سروده "اصغر عظیمی مهر" و "بیارق المولد" سروده "معروف عبدالمجید" بر بنیاد دیدگاه ژاک دریدا

سیدمهدی حسینی نژاد[۱]، محمدامین مهرام[۲]

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران.(نویسنده مسؤول)[۱]
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان، ایران.

چکیده

مقاله‌ی پیش رو پس از معرفی دو شاعر و بیان اصول کلی و ساختاری ساختارشکنی به مقایسه ی ساختارشکنی از منظر " ژاک دریدا" در دو شعر «شق القمر که معجزه ای نیست» سروده ی "اصغر عظیمی مهر" و شعر «بیارق المولد» سروده ی "معروف عبدالمجید" شاعر مصری می پردازد. مقایسه و تحلیل ساختار شکنی در این دو شعر با استفاده از اصول پنجگانه ی ژاک دریدا: (تفاوت و تأخیر– مرکز زدایی– خواندن متوالی– تقابل‌های دوگانه – استعاره گرایی زبان) صورت می پذیرد. پس از بررسی تطبیقی و عرضه ی شعر هر دو شاعر بر مولفه های احصا گشته ی مرتبط با حیطه ی تخصصی ساختار شکنی، کاشف به عمل آمد که جز اصل «تفاوت و تأخیر» به عنوان نخستین اصل از اصول پنجگانه‌ی ساختارشکنی ژاک دریدا که از بنیان با منطق این دو شعر (بنا بر موضوع و فضای شعر) همخوانی ندارد؛ چهار اصل دیگر ساختارشکنی در هر دو شعر بسامد بسیار بالایی دارند. در واقع و به تعبیری دیگر ساختار شکنی در خدمت شاعران مورد بحث این پژوهش قرار گرفته است تا شعرشان زیباتر و عمیق‌تر شود و مخاطب و منتقد را همزمان قانع و خرسند نماید. هم چنین شایان ذکر است که اگر هنجار شکنی را نیز جزئی یا گونه‌ای از ساختار شکنی به شمار آوریم، اصغر عظیمی مهر از هر دو جنبه‌ی آن یعنی (هنجار شکنی در ظاهر و هنجار شکنی در محتوا) بهره برده است، این در حالی است که هنجار شکنی در شعر معروف عبدالمجید فقط در لایه‌ی محتوا رخ داده است.

کلیدواژگان:ساختارشکنی،اصغرعظیمی‌مهر،معروف‌عبدالمجید،اصول‌پنجگانه‌دریدا،هنجار شکنی.

۱- مقدمه

مایاکوفسکی معتقد است که شعر امروز نظم خمیازه است. فی الواقع امروزه شعر بسیار است، اما شعری که ارزش سروده شدن و شنیده شدن را داشته باشد بسیار اندک است. زمانی که سخن از شعر آیینی به میان می‌آید؛ این موضوع نمود بیشتر و واضح‌تری می‌یابد. و به تعبیری دیگر در

1- Email: Poeat_n@yahoo.com

دام شعر کوششی، جشنواره‌ای و مانند آن اسیر می‌شود. اصغر عظیمی مهر از جمله‌ی اندک شاعرانی است که اشعار آیینی‌اش جزء آثار آیینی فاخر و ماندگار معاصر به شمار می‌آیند و در جشنواره‌های متعدد شعری برگزیده شده است. شعر شق القمر که معجزه‌ای نیست همان طور که از عنوانش پیداست شعری خاص است که تحسین منتقدان و علاقه مندان به شعر را به دنبال داشته است چرا که فاکتورهای مهم اشعار موفق و ماندگار را با خود دارد. شعری که نه متکلف است و نه سطحی و مبتذل. شعری ساده اما در عین حال عمیق و پر از تصاویر ناب و بکر. همراهی شعر او با نگاهی تازه و متفاوت به مخاطب یادآور می‌شود که متفاوت بودن خود از مهم‌ترین عوامل ساختارشکنی در شعر است.

شعر بیارق المولد سروده‌ی معروف عبدالمجید شاعر مشهور مصری همچون شعر عظیمی مهر فاکتورهای خاص بودن و ماندگاری را دارد؛ از قافیه مشترک حرف (را) گرفته تا مضامین خاص و ابداعی تا مسائلی که در باب ساختار شکنی بررسی می شوند.

زبان ساده و عمیق، زیبایی‌های بیانی بدیعی، تازگی‌های شاعرانه‌ی تبلور یافته در دو شعر، باعث شد که مقایسه‌ی ساختار شکنی بر اساس اصول پنجگانه‌ی دریدا (تفاوت و تأخیر- مرکز زدایی- خواندن متوالی- تقابل‌های دوگانه و استعاره گرایی زبان) بین دو شعر "شق القمر که معجزه ای نیست" و "بیارق المولد" به عنوان موضوع مقاله برگزیده شود.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱. آشنایی با دو اندیشمند

پیش از ورود به مسائل ساختار شکنی ابتدا با دو شاعر آشنا می شویم.

اصغر عظیمی مهر(شاعر- روزنامه نگار): اصغر عظیمی مهر متولد سال ۱۳۵۷شاعر و روزنامه نگار و اهل کرمانشاه ایران است. او که در سنین پایین سرودن را آغاز کرده است و استعدادش در زمینه‌ی شعر شکوفا شده است اکنون در محافل شعری ایران شاعری شناخته شده و قابل احترام است. او افتخاراتی همچون برگزیده ی جایزه بین المللی شعر پیامبر رحمت ۱۳۹۰ بوشهر- ایران؛ برنده ی جایزه‌ی بین المللی شعر پیامبر مهر جهرم- ۱۳۹۱- ایران؛ برگزیده‌ی جشنواره‌ی بین المللی شعر غدیر- شیراز ۱۳۹۳- ایران؛ کاندید کتاب سال شعر فجر ۱۳۸۹ و کتاب سال کرمانشاه را در کارنامه ی خود دارد. مجموعه‌های شعری او عبارتند از:

"همیشه حق با دیوانه‌هاست"، "دوستت دارم امضای من است"، "شبی بدون تو و ساعتی که زنگ نمی زد"، "تقریباً همه‌ی جهان گم شده است"، " شق القمر که معجزه ای نیست" و...

معروف عبدالمجید (شاعر- روزنامه نگار- و پژوهشگر):

معروف عبدالمجید سال ۱۹۵۲ در روستای "کفر فرسیس" از توابع استان قلیوبیه مصر در خانواده‌ای شافعی مذهب به دنیا آمد. تحصیلاتش را در رشته‌های ادبیات و زبان‌های سامی دانشگاه الأزهر، باستان شناسی آثار سامی دانشگاه رم ایتالیا، باستان شناسی آثار یونانی و رومی در دو دانشگاه زوریخ سوئیس و گوتنگن آلمان ادامه داد. او مدتی به تدریس و ترجمه در دانشگاه ها اشتغال داشت. پس از آن وارد فضای رسانه‌ای شد و بیشتر زمانش را به آن فضا اختصاص داد. او پس از سال‌ها بحث و پژوهش به مذهب تشیع گروید.

آثارش به چند زبان زنده ترجمه شده اند و آثار متعددی از او در زمینه‌ی تألیف و ترجمه به زبانهای عربی و انگلیسی و فارسی و آلمانی بر جای مانده است. به دلیل ضیق مجال فقط نگاهی به کارنامه‌ی ادبی‌اش خواهیم انداخت.

أحجاراً لمن تهفوا لهانفسي(شعر)-أكاسيا للفراعنة(مجموعه داستان)-معلقة على جدار الأهرام (شعر)- وينصبون عندها سقيفة (شعر)- بلون الغار بلون الغدير (شعر)- أنا الحسين بن علي (ع) (رمان) و...

۲-۲. بنیان های نظری و پژوهش های پیشین

به دلیل پرداخت به موضوع ساختار شکنی پیش از ساختار شکنی نگاهی گذار به مبحث ساختار گرایی خواهیم انداخت و سپس وارد موضوع ساختارگرایی شده؛ چرا که ساختار گرایی مقدمه‌ی ورود به ساختارشکنی است.

۲-۲-۱. ساختار گرایی

نیمه‌ی قرن دوم بیستم و دوران پس از جنگ جهانی دوم را نیمه‌ی خلق تئوری‌ها دانسته‌اند. به عنوان مثال می‌توان از ظهور نظریه‌ی (ساختار گرایی در زبانشناسی) نظریه‌ی (تحلیل ساختاری وجود انسان) در مارکسیسم و ونظریه‌ی (توصیف ضمیر ناخودآگاه) در روانکاوی نام برد.

مهم‌ترین نظریه‌ای که در زبانشناسی ایجاد شد و بسیاری از علوم همچون، ادبیات، جامعه شناسی و روانشناسی را تحت تأثیر قرار داد نظریه‌ی ساختارگرایی است که توسط (فردیناند دوسوسور) زبانشناس سوئیسی بیان شد. یکی از محصولات این نظریه تمایز میان زبان و گفتار است. (لانگ و پارول). اما مهم ترین بخش این نظریه، توصیفی بود که سوسور از نشانه ارائه داد که خود مبنای دانش جدید نشانه شناسی قرار گرفت. (سجودی، ۱۳۸۸، ٤٧).

سوسور نشانه را رابطه‌ی میان دال و مدلول تعریف کرد، دال آن بخش از نشانه است که به صورت قراردادی در زبان به کار می‌رود و هر دالی دارای مصداقی در دنیای بیرون است که مدلول نامیده می‌شود؛ مثلاً واژه‌ی "درخت" دالی است که به موجودی در طبیعت دلالت می‌کند که مدلول آن است.

نظریه سوسور بیشترین تأثیر خود را بر نقد ادبی گذاشت. به طوری که نقد سنتی نویسنده/شاعر بنیاد را به نقد نوین متن بنیاد تغییر داد. براساس نقد متن بنیاد، ناقد نمی‌کوشد منظور و مقصود خالق‌اثر را آشکار سازد. بلکه این ساختار متن‌است که معنای‌متن و منظور نظرخالق اثر را مشخص می‌سازد و حتی از خلال متن می‌توان به اندیشه‌ها و تفکرات پنهان خالق اثر دست یافت. اندیشه‌ها و تفکراتی که ممکن است خالق اثر خود از آن‌ها بی خبر باشد و ریشه در تجربیات پیشین و ناخودآگاه او داشته باشد و اغلب به صورت غیر ارادی در متن تجلی یافته باشد.

رولان بارت در مقاله‌ای با عنوان مرگ نویسنده ادعا کرد که نویسنده صرفاً یک شخص نیست بلکه موضوعی است تشکیل یافته از اجتماع و تاریخ و این متن است که نویسنده را می‌سازد نه بالعکس.

در واقع این همان تمایزی که میان آرای هگل و مارکس دیده می‌شود، هگل معتقد بود که انسان تاریخ را می‌سازد اما مارکس اعتقاد داشت تاریخ انسان را می‌سازد. این نظریه به پیدایش مکاتبی چون فرمالیسم روسی و نئو فرمالیسم در ادبیات و نقد ادبی منجر شد. و نامدارانی چون رومن یاکوبسن و میخائیل باختین در رشد و تکامل آن نقش بسزایی داشتند(احمدی،۱۳۹۰، ۱۵).

در سال ۱۹٦۰ جنبش ساختارگرایی اساساً در فرانسه کوشید که ایده‌های مارکس و فروید و سوسور را باهم تلفیق نماید. آن‌ها برخلاف اگزیستانسیالیست‌ها که ادعا می‌کردند انسان موجودی است که خود را می‌سازد عنوان کردند که انسان ساخته‌ی عناصر جامعه شناختی، روانشناختی و ساختارهای زبانی است که بر آن‌ها کنترلی نیز ندارد (سابق، ۱۳۹۰، ۱۸).

۲-۲-۲. پساساختار گرایی

در سال ۱۹٦۷ بارت مقاله‌ای بسیار جنجالی با محوریت پسا ساختارگرایی، ساختار شکنی و با عنوان ادبیات فرسوده (مرگ ادبیات) منتشر کرد. که در واقع مانیفست مدرنیسم بود. او بیان کرد شیوه‌ی عرفی و رایج ادبی مستقل فرسوده شده است. و در اثر کاربرد زیاد جذابیت خود را از دست داده است. بارت در این مقاله مرگ زودرس ادبیات رایج را اعلام کرد. این مهم از ایجاد خط مشی جدیدی در ادبیات خبر می‌داد که پسا ساختارگرایی یا ساختار شکنی یا شالوده شکنی نام گرفت. از چهره‌های معروف مکتب ساختارشکنی می‌توان از ژاک دریدا (۱۹۳۰) نام برد. او با نقد نظریه‌ی سوسور رابطه‌ی یک به یک میان دال و مدلول را رد کرد و عنوان نمود که دال بر مدلولی ثابت دلالت نمی‌کند. بلکه هر دال در نظر افراد مختلف دارای مدلول‌های مختلف است. افراد گوناگون دارای تجربیات دانش و زندگی گوناگون هستند، همین امر باعث می‌شود که تعبیر و برداشت آن‌ها از واژه‌ها متفاوت باشد. مثلاً واژه‌ی آزادی نمی‌تواند برای همه‌ی انسان‌ها دارای

مصداق واحد و یکسانی باشد. همان طور که نمی‌توانیم بگوییم که مصداق واژه‌ی هنر در عبارت «هنر نزدایرانیان‌است و بس» برای فردوسی دقیقاً با مصداقی که ما از آن داریم یکسان بوده است.

کسانی چون ژاک دریدا و میشل فوکو تعبیر و معنای متن را منحصر به دال‌های موجود در متن نمی‌دانند، بلکه عواملی چون تاریخ، سیاست، جامعه شناسی و روان شناسی را در درک معنای متن دخیل می‌دانند. همچنین فوکو قائل به لایه‌های متعدد معنایی است که از یک متن واحد برداشت می‌شود. دریدا ساختارشکنی را به منزله‌ی شیوه‌ای برای آشکار کردن تعبیرهای چندگانه از متون مطرح کرد و تحت تأثیر فلاسفه‌ای چون هایدگر و نیچه اظهار کرد که متن به طور طبیعی دارای ابهام و کژتابی است؛ به همین خاطر رسیدن به معنای نهایی و کامل آن امری غیر ممکن است. او زبان یا متون را بازتاب و انعکاس طبیعی جهان نمی‌داند؛ بلکه متن را شکل دهنده و سازنده‌ی تعبیر ما از جهان می‌داند و معتقد است که متون این امکان را ایجاد می‌کنند که ما واقعیت را بفهمیم به نظر دریدا انسان به نقطه‌ی پایانی تعبیر یک متن نمی‌رسد. برای او هر متن نشانگر تنوع و تفاوت‌های معنایی است. و چیزی ثابت نیست، به همین خاطر تحلیل متن به صورت مسلم و قطعی غیر ممکن است. در واقع ساختارشکنی ثبات سنگ زیرین تئوری عقل گرایی را به موقعیت متزلزل و روان تعدد تعابیر تغییر می‌دهد (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۵٤).

احمدی می‌نویسد، به نظر دریدا در نوشتار چیزی هست که سرانجام از هر نظام و منطقی سرپیچی می‌کند. یکی از نتایج شالوده شکنی کشف سازوکار این سرپیچی است. در هر متن شکلی از توزیع و باروری معانی تازه به یاری معانی کهنه وجود دارد (احمدی، ۱۳۷۲: ۳۸۰).

برخلاف آنچه در نگاه نخست به نظر می‌آید شالوده شکنی یک متن به معنی ویران ساختن آن نیست. بلکه کوششی است تا با تحلیل‌های متنی و فرامتنی به مفاهیم آشکار و پنهان متن دست یافته و به نقادی دقیق آن پرداخته شود. بسیاری از متخصصان نظریه‌ی دریدا را افراطی می‌دانند به طوری که امبرتو اکو به عنوان یکی از منتقدان می‌گوید اگر جهان طبق قول آقای دریدا بگردد و هر دالی بتواند معنایی داشته باشد آن وقت کافی است یک پاراگراف از اعترافات آگوستین قدیس را در دست بگیریم و از روی آن تعمیرکار تلویزیون خود باشیم. البته باید منشأ ساختار گرایی و ساختار شکنی را در تئوری پست مدرنیسم جست و جو کرد (شیری، ۱۳۸۰: ۹).

۲-۲-۳. ساختار شکنی ادبی

ساختار شکنی نامی است که به روش دریدا اطلاق شده است؛ راهبرد اول در تجزیه و تحلیل متون یا در بیشتر موارد بخش‌هایی از متون برای آشکار کردن ناهماهنگی‌ها و تعارضات درونی متن.

ساختارشکنی در تلاش برای زدودن پوشش‌هایی است که در متن به کار رفته است تا به نوعی به ثبات و انسجام معنا تظاهر کند. این تظاهر عبارتست از تلاش متن برای آفریدن مرکزهایی ممتاز، تقابل‌های دوگانه‌ی آشکار و پنهان با کمک همه‌ی انواع و اشکال صنایع بلاغی.

از آن‌جا که نقطه‌ی آغاز ساختار شکنی بر این باور است که زبان در اصل و بنا بر تعریف مهار ناشدنی است، پس انتظار دارد که در هر متنی با نوعی امتیاز دادن بی بنیاد به وجهی خاص، با وجهی دیگر روبرو شود. همیشه امکان ساختار شکنی در متن هست، چه متن ادبی باشد و چه غیر ادبی. و پیوسته می توان نشان داد که متن برای تظاهر به انسجام درونی متکی برعملیات بلاغی است و با توسل به عملیات بلاغی می خواهد این واقعیت را که از تمایز نشآت گرفته است و وفور معنا ناشی از تمایز و تعویق است را پنهان کند.

ساختار شکنی می‌کوشد نشان دهد که الگوی ظاهری این یا آن در متون ادبی نقابی است بر موقعیت زیر بنایی هم این و هم آن؛ و همچنین می‌کوشد عدم تعیین بنیادی این متون را آشکار کند. به بیان متعارف در ادبیات می‌توان گفت که متن هرگز به انسداد نمی‌رسد، چرا که معنای تحت اللفظی‌اش آن است که پرونده‌اش هرگز بسته نمی‌شود؛ هیچ معنای قطعی و نهایی وجود ندارد و متن عرصه‌ی امکانات بالقوه است. به قول جرمی هاوتورن: « بنابراین از دید دریدا معنای یک متن همیشه از تفسیرگر آن متن جلوتر است و مثل فرش لوله شده‌ی بی پایانی که هرگز به آخر نمی‌رسد جلوی پای تفسیرگر باز می‌شود.»(سجودی، ۱۳۸۸: ۱۷۲)

ساختارشکنی رویکردی فلسفی است که در مقابل هر نوع محورگرایی ایستاده و با از بین بردن محور آن، تلاش در دگرگون کردن تضادها و تقابلهایی دارد که از آن نقاط مرکزی به وجود آمده است. «ساختارشکنی نوعی زندگی است که با نهایت هستی ما آشکار و ظاهر می‌شود و نمی‌توانیم از آن بگریزیم. به همین علت است که گفته می‌شود دانش و حقیقت موضوع بحث ساختار شکنی نمی باشد، بلکه موضوع بحث آن موضوع قدرت و اقتدار است. ساختار شکنی این مسأله را حل نمی‌کند، بلکه با روشی خاص با آن زندگی می‌کند (سابق، ۱۳۸۸: ۱۷٤).

دریدا با استفاده از دیدگاه‌های فلسفی موجود نظریه ساختار شکنی خود را طبق اصول زیر ارائه نموده است:

۱- تفاوت و تأخیر- Diffrance

دریدا بر اساس نظریه‌ی سوسور بیان می کند که چون دلالت هر نوع بیانی چیزی جز مجموعه تفاوت‌های آن با سایر دال‌ها نیست، مولفه‌های سازنده‌ی مدلول معنی که مولفه‌های شناساننده هستند، حضوری مثبت ندارند. اما این بدان معنا نیست که این مولفه‌ها غایب هستند. از این رو آنچه که ظاهراً معنی تلقی می‌شود نتیجه یک عمل خود زاییده است. یک معنی دائماً معنی دیگر

را از بین می‌برد و خود جایگزین آن می‌شود. پس معنی متن چیزی ثابت و معین نمی‌باشد. بلکه انعکاس و جلوه‌ای سیال است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند بافت کلام و ذهنیت شنونده یا خواننده دائماً تازه می شود و در فرایندی سیال از گرفتار شدن در بند یک معنی ثابت سرباز می‌زند و این تولد دائمی معنی از دل متن شامل معانی غایبی می شود که تنها به دلیل تفاوت با معنی حاضر، آن را جزئی از گفتار می‌پنداریم. از این جا دریدا واژه‌ی مرکب (دیفرنس) دیفر+ انس (تفاوت گذاشتن و به تأخیر انداختن) را سکه زد تا بیانگر هر دو معنی باشد:

ویژگی نخست عبارتست از تفاوت دال با دال‌های دیگر و ظهور معنی که از بطن آن پدید می‌آید. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۵۹۵)

ویژگی دوم نیز حاصل تأخیری است که بین حرکت از دال تا رسیدن به مدلول بی نماد وجود دارد. فضایی که در این میان به وجود می‌آید به شنونده یا خواننده این امکان را می‌دهد تا مفاهیم و معانی ذهنی خود را در آن قرار دهد. در نتیجه معنی در یک فرایند دائماً پویایی وارد می‌شود و باعث می‌شود که دریدا نتیجه بگیرد که هیچ متنی دارای معنی ثابتی نیست.

۲- مرکز زدایی -Decenterism

دریدا با طرح و بیان معنی سیال و نامعین در واقع به تلاشی در جهت تمرکز زدایی از متن اقدام می‌کند، چرا که در متافیزیک غرب هر معنی حول یک مرکز دور می‌زند. این مرکز در حقیقت نیت، دیدگاه و نظر نویسنده است.

۳- خواندن متوالی -Double-reading

دریدا با استفاده از بررسی و خواندن متون فلسفی با روش ساختار شکنی به جای آنکه معانی و مفاهیم ساختار شکنی را در قالب‌ها و اصول فلسفی ارائه نماید آن‌ها را عملاً در جریان خواندن به بررسی و قرائت این متون آشکار و ارائه می کند. در بررسی ساختارشکنانه معنی ظاهری در هم ریخته و شکسته می‌شود و دلالت‌های بسیار زیادی از آن استخراج می‌شود. یعنی موجب به وجود آمدن بن بست فلسفی می گردد. به طوری که نمی توان در این تکثیر معنایی روی یک معنی ثابت و معین تکیه کرد. این تکثیر معنا را دریدا انکسار می‌نامد. (سابق، ۱۳۷۸: ۵۹۷).

۴- تقابل‌های دوگانه- Binary oppositions

دریدا اعتقاد به وجود تضاد و نظام دوگانه و دو قطبی متافیزیک غرب دارد. در این سیستم دوگانه، تضادها و تقابل‌ها همیشه بر اساس ضد خود تعریف و بررسی می‌شوند. برای مثال فرهنگ در مقابل طبیعت، مرد در برابر زن و.... پیشنهاد دریدا برای این سیستم این است که در این تضادها و تقابل‌ها که باعث به وجود آمدن تقدم و تأخر می‌شود، ترتیب پدیده‌های موجود عوض و برعکس شوند، یعنی طبیعت در مقابل فرهنگ و زن در مقابل مرد قرار بگیرند. این به

هم ریختگی و واژگون سازی موجب جابجایی و توانایی ایجاد ارتباط با موضوعاتی مرکزیت محور(خارج از ظرف زمان و مکان) شده و باعث تغییر دیدگاه می‌گردد. (سجودی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

۵- استعاره گرایی -Rhetoricity

طبق نظر دریدا زبان در اصل خاصیت و توانایی منطق و فصاحت و بلاغت را دارا می‌باشد (حیم ۱۳۷۲، ٥٦٩). و ناگزیر بر مجازهای بلاغی تکیه دارد. به عبارت دیگر هر بیان غیر استعاری و واقعی در حقیقت استعاره‌ای فراموش شده است. بنابراین زبان اصلاً و اساساً سرشت و ماهیتی استعاره ای دارد. زیرا با توجه به دیدگاه سوسور و قراردادی بودن رابطه بین دال (موضوع) و مدلول (معنا) نامیدن اشیاء و پدیده‌ها بر اساس ترجمه معنی به لفظ و یا بر حسب وام گرفتن از زبان برای ارائه یک معنی ذهنی و ساختن استعاره است. دریدا بر این باور است که استعاره را نمی‌توان تا سطح معنی لفظی پایین آورده و تنزل داد. (مقدادی، ۱۳۷۸: ۵۹۸)

۳- سوالات پژوهش

این پژوهش پنج پرسش بنیادین را به شرح ذیل دنبال کرده است:

۳-۱. مولفه های تشکیل دهنده ی ساختارشکنی در متون شعری معاصر چیست؟

۳-۲. شعر "شق القمر که معجزه ای نیست" اصغر عظیمی مهر تا چه میزان از درون مایه های هنجارشکنی و ساختارشکنی برخوردار است؟

۳-۳. مولفه های پنج گانه ی ساختارشکنی از دیدگاه ژاک دریدا تا چه اندازه در سروده ی "بیارق المولد" معروف عبدالمجید تبلور و تعیّن دارند؟

۳-٤. هنجارشکنی در هر دو شعر مذکور تا چه حد بر اساس رویکردها و قاعده‌های متعارف به لحاظ محتوایی وشکلی یافت می شود و تا چه میزان از روش اسلوبی متمایز گشته است؟

۳-۵. در صورت بهره مندی اشعار مورد تحقیق از مولفه های ساختارشکن، آیا این امر در دوگانه‌ی ساختارگرایی/ساختارشکنی باعث تکلف و دیرفهمی این اشعار گشته است یا بالعکس؟

٤- تطبیق و بررسی

در این بخش از پژوهش پیش رو با عرضه ی دو شعر «شق القمر که معجزه ای نیست» و «بیارق المولد» بر بنیان های نظری مذکور در قسمت های پیشین و اصول پنجگانه ی ساختار شکنی دریدا، به بررسی یک به یک مولفه های تشکیل دهنده ی حیطه ی تخصصی ساختارشکنی و هنجارشکنی از دیدگاه ژاک دریدا هنگامی که در معرض این اشعار قرار می گیرند می پردازیم. هم چنین هنجارشکنی نیز به دلیل اهمیت و گستره ی استعمال مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

٤-١. اصل تفاوت وتأخیر

دریدا معتقد است که یک معنا به طور دائم معنای دیگری را از بین می‌برد و جایگزین آن می‌شود. از آن جا که هر دو شعر دارای زنجیره‌های معنایی هستند و با دیدگاه دریدا که "معنا امری ثابت و معین نیست"، نمی‌توان اصل تفاوت و تأخیر را در این دو شعر مشاهده کرد؛ باید گفت این اصل را نمی‌توان بر اغلب اشعار آیینی و به ویژه این دو شعر منطبق دانست زیرا این دو شعر و اشعار آیینی ممکن است تحول معنایی بیابند، گسترش یابند و... اما اصل معنا ثابت است. حال با بررسی جزئیات بیشتر از دو شعر مورد بررسی به تجزیه و تحلیل ساختارشکنانه‌ی این دو اثر بر اساس چهار اصل دیگر دریدا خواهیم پرداخت.

عظیمی مهر با این ابیات آغاز می کند:

از روی توست، ماه اگر این سان منور است　　از عطر نام توست اگر گـل مـعـطر است
آن چهـره‌ی مـشعشـع و آن دیده‌ی پر آب　　شأن نزول سوره‌ی والشمس و کوثر است

بیت زیر به روایت زیبای "أنا أفصح العرب" و نهایت فصاحت پیامبر و باب الحوائج بودن او اشاره دارد (شیروانی، ۱۳۸۹: ۹۰).

با تو مدینه قبله‌ی حاجات دیگری است　　نهج الفصاحه جلوه ی آیات دیگری است

اعتراض شاعر را در شعر زیر می‌بینیم:

گـاهـی تـنـفـر از سکنات کسی دگر　　شرم از صفات ماست که در ذات دیگری است
نامت مبارک است ولی گوش ما چرا؟　　وقـت اذان به جـانب اصـوات دیگری است

سخن از پیامبران پیشین و مژده‌های آنان درباره‌ی ظهور ختم رسل و سخن از عظمت او، ماجرای رزق و روزی، موضوع بعثت، عرفان اسلامی-ایرانی و ناتوانی شاعر و افتخار به ممدوحش، معراج پیامر، سخن از حضرت امام علی (ع)، از موضوعات به هم پیوسته‌ای هستند که شاعر به آن‌ها پرداخته است و شعر را با یک پایان بندی زیبا خاتمه می‌دهد:

لب از سخن اگر که ببندیم، در سکوت　　اسرار حکمتی است که در قیل و قال نیست
دنیا پر از خداست و دیگر تفاوتی　　ما بین شرق و غرب و جنوب و شمال نیست

اما شعر عبدالمجید:

هبّ النّسیم وغرد الطّیر　　وتمایل الریحان والزّهر
وتلال مکۀ هلّلت فرحاً　　وأتی الرّبیع أمرع القفر

(هنگام میلاد پیامبر (ص) وزش نسیم و نغمه خوانی پرندگان و رقص گل‌ها از یک سو و سرزمین مکه با تپه های سرسبز بهاره از دیگر سو به شادمانی پرداخته‌اند)

و نیز سخن از میلاد آن حضرت:

وولدت محفوفاً بمعجزة　　سُحرت بها الدنیا... ولا سحر

هنگام تولدت دنیا مسحور معجزه‌ات شد در حالی که سحر نبود و واقعیت بود.

شعر با جریان حیات پیامبر (ص) جریان دارد.

لمّا بدا وجه النبي، بدا　　فجر تعشق حسنة الفجر

آن گاه که چهره‌ی مبارک پیامبر هویدا شد تو گویی سپیده دمی متولد شده است که خورشید هنگام طلوع با تمام زیبایی‌اش شیفته‌ی آن شده است.

شاعر سپس از عظمت پیامبر می گوید:

یا درّها المکنون فی صدف　　لا المدّ یبلغه ولا الجزر

ای گوهر پنهان در صدف (جهان) نه جذر و مد (هیچ کس و هیچ رتبه‌ای به رتبه‌ی والای پیامبر نمی رسد. تو را در بر نمی‌گیرد).

سخن از اتفاقات تاریخی و مژده‌هایی درباره‌ی تولد پیامبر از زمان پیامبران پیشین، اشاره به بعثت، مدح او، سخن از عشق و ولای وطنش به ائمه اطهار علیهم السلام و...

شعر با سخن از انتشار دین مبین اسلام و تأسیس تمدنی بزرگ و جهانی و اشاره به حضرت زهرا(س) در جواب کسانی که پیامبر را ابتر می‌دانستند (انا اعطیناک الکوثر- فصل لربک وانحر- ان شانئک هو الأبتر) و بی پایان بودن عشق و ولای شاعر به پیامبر (ص) به پایان می‌رسد.

أنـا مـذ رأیـت جـمال طلعته　　وعلی یـدیـه حمائم الخضرُ

نالت سهام العشق من کبدي　　ثم انتهیت، وما انتهی الأمرُ

من از همان زمان، زیبایی بعثت پیامبر (ص) را دیدم در حالی که کبوترهای سبز زیبا میان دستان مبارکش وجود داشت. (اشاره به سادات)

تیرهای عشق جگرم (وجودم) را در بر گرفتند. عمرم به پایان رسید اما این عشق ابدی است و هیچ گاه از بین نمی‌رود.

هر کدام از ابیات این دو شعر همچون حلقه‌های زنجیر عمل می‌کنند و هرکدام رسالت خود را انجام داده‌اند تا شاعر آنگونه که خواسته است از پیامبر سخن بگوید. نه تنها معانی همدیگر را از بین نمی‌برند بلکه هر بیت تقویت کننده و آماده کننده‌ی فضا برای بیت بعدی هست تا معنا کامل شود. و در صورت خارج نمودن هر کدام از ابیات شعر با خلل جدی روبرو می‌شود. چون هر کدام از ابیات علاوه بر نقش ماهوی خود مقوم سایر ابیات نیز هست. بنابراین اصل تفاوت و تأخیر طبق نظر دریدا در این دو شعر نمودی ندارد.

٤-٢. مرکز زدایی

دریدا با طرح و بیان معنی سیال و نا معین در حقیقت به تلاشی در جهت زدودن مرکز زدایی از متن دامن زده است. چرا که در متافیزیک غرب، هر معنا حول یک مرکز، دور می‌زند. این مرکز در حقیقت دیدگاه و نیت و نظر نویسنده است.

به دلیل اینکه موضوع هر دو شعر پیامبر (ص) می‌باشد؛ به جرأت می‌توان گفت تمام اجزای هر دو شعر، از مرکز زدایی بهره می‌برند. جز آن بخش‌هایی که شاعر دارد روایتی را با زبان شعر نقل می‌نماید که آن بخش‌ها را نیز می‌توان مرکز زدایی به شمار آورد. چون هر کدام از شاعران روایات را از زاویه‌ی دید خاص خود نقل می‌کنند.

نمونه مرکز زدایی در شعر شق القمر که معجزه‌ای نیست:

همواره مزد را به تکاپو نمی‌دهند　　از سفره‌ی عطای تو رزقم مقرر است

در این بیت شاعر فکر مخاطب و دانسته‌های پیشین او را در برابر آیه‌ی مبارکه‌ی «والله یرزق من یشاء بغیر حساب. بقره ۲۱۲» و باور «مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد» به چالش ک شیده است.

بی معرفت به حق تو هر کس که زنده است　　حین حیات نوعی از اموات دیگری است

شاعر در بیت بالا حیات معنوی و حقیقی انسان را به معرفت و شناخت پیامبر (ص) که مقدمه‌ی شناخت خداست ارتباط می‌دهد.

نام تو در اذان دل ما را مدینه برد　　گاهی حضور قلب شروط نماز نیست

عقیده‌ی شاعر در قالب نگاه تازه‌ای به حضور قلب بیان شده است که به خاطر داشتن پیامبر، همان یاد خدا بودن و حضور قلب داشتن در نماز انگاشته است.

اما عبدالمجید چنین سروده است:

یا أشرف الماضین من رسل　　صلّی الله علیک المنعم البِرّ

شاعر دلیل صلوات خدا بر پیامبرش را شرافت و درجه‌اش نسبت به سایر پیامبران به شمار آورده است.

یـا دوحـة لـلعشق وارفة　　یا روحُ، یـا ریـحانُ، یا عطرُ

در این بیت شاعر پیامبر را به چتر بزرگی و ابدی عشق تشبیه می کند که مأمن تمام پیروان و یاران پیامبر(ص) است. سپس پیامبر را با واژه‌های روح، ریحان و بهترین عطر می ستاید.

و سرانجام شاعر از دلدادگی و مستی‌اش به خاطر علاقه و دوستی پیامبر سخن می‌گوید و مستی از عشق پیامبر را نهایت هوشیاری به شمار می‌آورد.

وسکرتُ من حبّي و ما برحت　　غیبوبتي صحواً هو السّکرُ

۳-٤. خواندن متوالی

دریدا به جای آنکه معانی و مفاهیم ساختار شکنی را در قالب‌ها و اصول فلسفی ارائه نماید، آن‌ها را عملاً در جریان خواندن به بررسی و قرائت این متون آشکار، عرضه می‌نماید. در بررسی ساختار شکنانه، معنی ظاهری درهم ریخته و شکسته می‌شود و دلالت‌های بسیار زیادی از آن استخراج می‌شود. یعنی موجب به وجود آمدن بن بست فلسفی می‌گردد. به گونه‌ای که نمی‌توان در این تکثیر معنایی روی یک معنی ثابت و معین تکیه کرد. دریدا این تکثیر معنا را «انکسار» می‌نامد. انکسار در شعر عظیمی مهر:

همواره مزد را به تکاپو نمی‌دهند از سفره‌ی عطای تو رزقم مقرر است

شاعر در این بیت، معنای دیگری به معنای معمول رزق و روزی افزوده است که سفره‌ی عطای پیامبر نیز می‌تواند واسطه‌ی رزق و روزی باشد.

دارد به سوی نام تو نزدیک می‌شود آغاز هر اذان اگر الله اکبر است

شاعر با یک حسن تعلیل زیبا انکسار معنایی آفریده است. (آغاز اذان الله اکبر است. پس از آن أشهد أنّ محمدا رسول الله می‌آید. شاعر در بیت فوق الذکر دلیل اینکه ابتدای اذان الله اکبر است را این می‌داند که پس از الله اکبر نام مبارک حضرت محمد (ص) در قالب ذکر أشهد أن محمدا رسول الله می‌آید).

کردی قیام و دور قیامت گذشت و رفت ما منتظر نشسته که کی وقت محشر است؟!

در این بیت شاعر از زاویه‌ی دیگری به قیامت نگریسته است. "قیامت کردن" کنایه از انجام عملی خارق العاده است. با این کنایه انکسار معنایی و ساختار شکنی صورت پذیرفته است.

هر جا که نام توست حریمی الهی است پس مسجد الحرام فقط در حجاز نیست

انکسار معنایی زیبایی در این بیت مشهود است که با وجود سادگی فلسفه‌ی بزرگ احترام به پیامبرهمان احترام به خداست را برای مخاطب تداعی می‌نماید.

نام تو در اذان دل ما را مدینه برد گاهی حضور قلب شروط نماز نیست

در این بیت، قلب حضور دارد اما به جای اینکه حضور قلب همچون همیشه باشد، این حضور قلب حضوری از جنسی دیگر است.متفاوت نگری در این بیت انکسار معنایی‌را خلق‌نموده است.

بی حرمتی کسی به حریمت اگر کند چشمت به اهل خانه‌ی خود هم حلال نیست

یا علی أنا و أنت أبوا هذه الأمّة. ای علی من و تو پدران این امت هستیم. (شیروانی، ۱۳۸۵: ۹۱) شاعر با توجه به این حدیث شریف انکسار محرم بودن پدر را در گرو احترام قائل شدن برای پدر امت (پیامبر) قرار داده است.

نمونه‌های انکسار در شعر عبدالمجید:

فلبثت في سجن الهوى أمدا و أنا الخبير بأنّني حرُّ

شاعر خود را زندانی‌عشق و علاقه به پیامبر می‌داند زندانی‌ای که‌از هر انسان‌آزادی آزادتر است.

وسكرتُ من حبّي وما برحت غيبوبتي صحواً هو السكرُ

شاعر از شدت عشق و علاقه به پیامبر به سرحد مستی رسیده است. مستی ای که نشان از نهایت هوشیاری و بیداری است.

ومزار زينب بعد أن خبرت كرباً أقلّ بلائه الأسر

مزار مطهر حضرت زینب (س) در مصر واقع شده است، که در نظر شاعر، کرب بزرگی است. کربی که حداقل بلا و سختی آن اسارت می‌باشد. انکسار، با توجه به فضای کربلا ومراعات نظیر بین کرب، بلا، حضرت زینب و اسارت به وجود آمده است.

وإذا أتى شهر الطفوف أتى فصل الحتوف، وضوعف الأجر

انکسار در این بیت اینگونه رخ داده است: شاعر می‌گوید اگر ماه طف (عاشورای حسینی) فرا رسد، فصل مرگ هم فرا می‌رسد و اجر و پاداش چندین برابر می‌شود. طف، فصل مرگ، پاداش چند برابری و آمدن آن‌ها در کنار هم انکسار را آفریده است.

٤-٤. تقابل‌های دو گانه

در سیستم تقابل‌های دوگانه، تضادها و تقابل‌ها همیشه بر اساس ضد خود تعریف و بررسی می‌شوند. برای مثال مرد در برابر زن و روز در برابر شب و امثالهم.

تقابل‌ها در شعر عظیمی مهر و عبدالمجید:

تقابل‌ها در شعر هر دو شاعر تقابل‌های معنوی است. وجود این تقابل‌های معنوی جلوه‌ی خاصی به این دو شعر داده است:

از روی توست ماه اگر این سان منور است از عطر نام توست اگر گل معطر است

وولدت محفوفاً بمعجزة سحرت بها الدنيا... ولا سحرُ

عظیمی و عبدالمجید مخالفان را به تحدی غیر مستقیمی دعوت نموده و این پرسش را طرح نموده که مخالفان پیامبر چه ویژگی‌هایی دارند؟!

با تو مدینه قبله‌ی حاجات دیگری است نهج الفصاحه جلوه‌ی آیات دیگری است

يا درّها المكنون في صدف لا المّد يبلغه ولا الجزر

وجود مبارک پیامبر، یثرب را به مدینه تغییر داد. پیامبر دری درون صدفی است که هیچ مقامی را یارای نزدیکی به آن نیست. پیامبر در جایی دیگر افصح العرب خطاب شده است. آن‌ها چه طور؟!

پیغمبران قبل تو هر یک جدا جدا آورده‌اند نام تو را در کتاب‌ها

در آب نوح گفت و در آتش خلیل گفت　　موسی به کوه طور و مسیحا جلجتا
لولاک موسی ما رأی قبساً　　ولمّا تفـجـر بالعصا الصخرُ
ولمّا هوی الإیوانُ منهدماً　　وأصاب کسری فارس الذعرُ

پیامبران پیشین مژده‌ی رسالت پیامبر(ص) را داده بودند و در شرایطی که مخالفان این مژده‌ها را نمی‌پذیرفتند؛ حال سخن یا تقابل این است آن‌ها که این مژده‌ها را انکار می‌کردند چه کسی و در چه مکانی آن‌ها را مژده داده است؟!

دو شاعر از یاران و جانشینان پیامبر(ص) به ویژه حضرت امام علی (ع) سخن گفته‌اند و این را طرح می‌کنند که یاران مخالفان پیامبر کجا هستند؟

دو شاعر از ارادت و عشق به پیامبر و خاندان مطهرش سخن می‌گویند و این تقابل معنوی را آفریده‌اند که چه کسانی در مدح مخالفان پیامبر شعر سروده‌اند.

جز این که کاتب نفس وحی بوده ام　　من را به شاعران دیگر امتیاز نیست
طاب المدیح وکلما هدرت　　لي مدحة یتماوج البحر

٤-٥. استعاره گرایی زبان

طبق نظر دریدا، زبان در اصل، خاصیت و توانایی منطق و شیوایی و بلاغت را داراست. و ناگزیر بر مجازهای بیانی تکیه دارد. به بیان دیگر هر بیان غیر استعاری و غیر واقعی در حقیقت استعاره‌ی فراموش شده‌ای است. بنابراین زبان اصلاً واساساً سرشت و ماهیتی استعاری دارد.

نمونه‌هایی از استعاره گرایی در شعر عظیمی مهر و عبدالمجید:

دلداده‌ی تو هر که شود ترک سر کند　　حال و هوای غیر تو از سر به در کند

ترک سر کردن مجاز و بیانی استعاری به معنای بی اعتنایی به دنیا است.

این ماجرای بعثت و غار حرا چه بود؟　　کس دیده قرص ماه که از غار سر زند؟

قرص ماه استعاره از پیامبر است و از غار سر زدن قرص ماه مجاز وکنایه از بعثت است.

بود از نخست شیوه‌ی میخانه‌ها غلط　　باید که ضرب در دو شود جام هفت خط

این بیت اشاره به عرفان اسلامی دارد که دارای مقام (توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا) است (سجادی، ۱۳۸۸: ۲۰). اما شاعر با زیرکی خاصی و به زیبایی مقامات هفتگانه‌ی عرفانی را به تعداد هفت ضرب دو یعنی ١٤ و به تعداد ١٤ معصوم علیهم السلام می‌داند.

وإذا أتی شهر الطفوف أتی　　فصل الحتوف، وضوعف الأجر

ما طفوف و فصل مرگ هر دو مجاز می‌باشند.

بادت عهود الجهل، واندثرت　　حـقـب الـظـلـام، وأدبـر الکفرُ

در این بیت علاوه بر پایان دوره ی جاهلیت با استفاده از حقب الظلام که استعاره از دوران جاهلیت باشد ادبار(پایان) آن و به صورت غیر مستقیم اشاره دارد که نشانه‌ی آغاز بعثت پایان کفر است.

أنا مذ رأيت جمال طلعته وعلى يديه حمائم الخضر

حمائم الخضر (کبوتران سبز) استعاره ی زیبایی است که شاعر به منظور سادات که اولاد پیامبر هستند استفاده نمود و آن‌ها را با این لفظ خطاب قرار داده است.

٤-٦. هنجار شکنی

هنجارشکنی رویکردی است که قاعده‌های متعارف را هم به لحاظ محتوایی و هم به لحاظ شکلی و ساختاری بر هم می‌زند. قاعده‌های متعارف در شعر به آن روش اسلوبی گفته می‌شود که در یک چارچوب مشخص قراردادی و از پیش تعیین شده شکل یافته باشد و عرصه‌ی پذیرشش نیز تا حدی عمومیت داشته باشد، این عمومیت پذیری به عبارتی دیگر به معنای متعارف پذیری قاعده‌ها در چارچوب یک هنجار است که به گونه‌ای در برابر آزادی کار شاعر، نویسنده(به‌ویژه در عرصه‌ی خلاقیت و ابتکار وی)محدودیت ایجاد می‌کند و نفس این محدودیت و ناگزیری سبب می‌شود تا شاعر یا نویسنده محدودیت‌ها و قواعد را بشکند و با این قاعده شکنی دست به ایجاد هنجار یا هنجارهای جدید بزند. هنجار شکنی به دو بخش تقسیم می‌شود هنجارشکنی در ساخت‌نوشتاری متن و هنجارشکنی در محتوا(متفاوت نگری)(بکتاش،۱۳۸۹، ۵)

هنجار شکنی در شعر عظیمی مهر و عبدالمجید

عظیمی مهر هم در ساخت نوشتاری شعر هنجار شکن بوده است و هم در محتوای آن.

ساختار شکنی در ساخت نوشتاری شعر:

کی شود که در غزلی جا دهم تو را؟ مدحت نیازمند غزل‌های دیگر است

که در این جا غزل دیگری در شعر عظیمی مهر آغاز می‌شود و چون بحث کامل نیست از غزل به قصیده تغییر شکل می‌یابد و پس از آن بنا به ضرورت شعری به قصیده‌ی دیگری می‌رسد:

در وصف تو اگر که غزل چون قصیده شد بی شک نیازمند به ابیات دیگری است

یا در ابیات بعدی شاعر می‌گوید:

این شعر از قوالب رایج عبور کرد شاعر نخواست وصف تو را مختصر کند

در شعر عبدالمجید ساختارشکنی ظاهری وجود ندارد.

ساختارشکنی در محتوا (متفاوت نگری)

نمونه‌های زیادی از ساختار شکنی در محتوای هر دو شعر وجود دارد که به ذکر چند مورد اکتفا می‌کنیم:

دارد به سمت نام تو نزدیک می شود　　آغـاز هـر اذان اگـر الله اکـبـر است
بی معرفت به حق تو هر کس که زنده اس　　حین حیات نوعی از اموات دیگری است
بی حرمتی کسی به حریمت اگر کند　　چشمش به اهل خانه‌ی خود هم حلال نیست
هر جا که نام توست حریمی الهی است　　پس مسجد الحرام فقط در حجاز نیست

و...

فلبست فی سجن الهوی أمداً　　وأنـا الـخـبـیر بأنني حرٌّ
وسکرتُ من حبّي وما برحت　　غیبوبتي صحواً هو السّکرُ
وسُئلت: شیعيّ؟ فـقـلـت: بلی　　إنَّ التقـیي عندي الجهرُ
أنا مذ رأیت جمال طلعته　　وعلی یدیه حمائم خضرُ

۵- نتیجه گیری

در نوشتار چیزی هست که سرانجام ازهر نظام و منطقی سرپیچی می‌کند و یکی از نتایج ساختار شکنی کشف سازوکار این سرپیچی است.

در دو شعر «شق القمر که معجزه ای نیست» و «بیارق المولد» از نظام و منطق‌های معمول سرپیچی شده است. شاعران با استفاده از ساختار شکنی معانی تازه‌ای آفریده‌اند که جای معانی و تصویر سازی‌های کهن را گرفته و سلیقه‌ی سخت گیر مخاطب امروزی را نیز ارضا می‌نماید.

جز اصل «تفاوت و تأخیر» از اصول پنجگانه‌ی ساختارشکنی ژاک دریدا چون با منطق این دو شعر (بنا بر موضوع و فضای شعر) همخوانی ندارد ٤ اصل دیگر ساختارشکنی در هر دو شعر بسامد بالایی دارد. در واقع و به تعبیری دیگر ساختار شکنی در خدمت شاعران مورد بحث این پژوهش قرار گرفته است تا شعرشان زیباتر و عمیق‌تر شود و مخاطب و منتقد را همزمان قانع و خرسند نماید.

وزن شعر عظیمی مهر (مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل) می باشد و وزن شعر عبدالمجید (مستفعلن مستفعلن فعلن) است. نگاهی کوتاه به وزن و ابیات هر دو شعر ما را به این نکته می‌رساند که وزن، شاعران را به استخدام خویش در آورده است. چرا که این دو وزن اوزانی هستند که اگر شعر جوششی باشد کاملاً از تکلف دور خواهد شد و دوری بودن آن در شعر عظیمی مهر به دلیل تغییرات گسترده در قالب ها شکل گرفته است اما شعر روان است چون چشمه‌های ناب. و شعر چه می‌خواهد جز اینکه ساده باشد و عمیق و نه سطحی و رکیک یا متکلف و سخت فهم و امثال آن.

ساختار شکنی در شعر عظیمی مهر وسیع تر است؛ البته با توجه به تعریف هنجار شکنی اگر هنجار شکنی را نیز به عنوان جزئی از ساختارشکنی به حساب بیاوریم. در شعر عظیمی مهر

هنجار شکنی هم در در ظاهر مشهود است و هم در محتوا (متفاوت نگری) اما در شعر عبدالمجید فقط در محتوا رخ داده است.

برخی عقیده دارند زمانی که سخن از ساختار شکنی یا ساختار گرایی به میان می‌آید (بنابر وجود اصول و قوانین خاص آن‌ها) شعری که از این اصول پیروی می‌کند غالباً شعری سخت، متکلف و دیرفهم است. اما عظیمی مهر و عبدالمجید با این دو شعر اثبات می نمایند که می‌شود ساختارشکنی را به خدمت شعر به ویژه عشر دینی یا آیینی در آورد و شعر ساده و صمیمی و عمیق ولی به دور از تکلف سرود.

سرپیچی شاعران مورد بحث این پژوهش از ساختارها و هنجارها باعث شده است شعر رسالت خود را به خوبی انجام داده و بر دل بنشیند

کتابنامه

- احمدی، بابک (۱۳۹۰) ساختار و تأویل متن، مرکز، تهران.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۰) پیش درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، مرکز، تهران.
- برنز، جرالد (۱۳۸۰) ساختارگرایی، ساختارشکنی و هرمنوتیک، مرکز، تهران.
- بکتاش، وحید (۱۳۸۹) به سپیدی این شعرها شک کنید، میوند، تهران.
- حسینی، صالح (۱۳۷۵) واژه نامه ادبی، نیلوفر، تهران.
- داد، سیما (۱۳۷۸) فرهنگ اصطلاحات ادبی، مروارید، تهران.
- سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر مبانی عرفان وتصوف، سمت، تهران.
- شیروانی، علی (۱۳۸۵) کلمات قصار پیامر (نهج الفصاحه)، دارالفکر، بیروت.
- شیری، علی اکبر (۱۳۵۹). نقش آشنایی زدایی در آفرینش زبان ادبی، مجله ی رشد.
- عبدالمجید، معروف (۲۰۰۰) بلون الغار بلون الغدیر.
- عظیمی مهر، اصغر (۱۳۹۱) شق القمر که معجزه ای نیست، فحوا، تهران.
- مایاکوفسکی، ولادیمیر (۱۳۷۲) ابر شلوار پوش، ترجمه مدیا کاشیگر، مینا، تهران.
- مقدادی، بهرام (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، فکر روز، تهران.
- نجفی، صالح (۱۳۹۰) دریدا، روزنامه شرق ۱۳/۷/ ۱۳۹۰.
- ویلم برتنز، یوهانس (۱۳۸۸) نظریه ادبی، ترجمه فرزان سجودی، آهنگ دیگر، تهران.
- یزدانجو، پیام (۱۳۹۰) به سوی پسامدرن، مرکز، تهران.
- یوسفی حامد (۱۳۸۳) مرگ فیلسوف پیچیده (ژاک دریدا) روزنامه شرق ۲۱/۷/ ۱۳۸۳
- www.aghaed.com